

سیاست داخلی/خارجی

خبر

در آستانه دهه فجر و چهارمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی رهبر انقلاب در مرقد امام خمینی (ره) و گلزار شهدا حضور یافتند

طلیعه دهه پنجم انقلاب



در آستانه دهه فجر و چهارمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، حضرت آیت...خامنه‌ای صبح دپرویز در مرقد مطهر امام خمینی(ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضور یافتند و با قرائت نماز و قرآن، یاد آن عزیز سفر کرده را گرامی داشتند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، رهبر انقلاب همچنین با حضور بر مزار شهیدان گرانقدر آریأت... بهشتی، رجایی، باهنر و شهدای حادثه هفتم تیر، علو درجات آنان را از درگاه خداوند متعال مسألت کردند. حضرت آیت... خامنه‌ای سپس در گلزار شهیدان انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، شهیدان مدافع حرم و شهدای حج سال ۱۳۶۶ حضور یافتند و با درود به ارواح پاک مجاهدان راه حق، برای استمرار نزول رحمت و نصرت الهی بر ملت بزرگ ایران در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی، دعا کردند.

رهبر انقلاب پس از زیارت مزار شهدای بهشت‌نهرای تهران طی سخنانی فرمودند: «یکی از کارهای بدی که بعضی از مدیران گلزارهای شهدا انجام می‌دهند، این کار غلط یکسان‌سازی قبور شهداست. این [جا] خوب است؛ همین درست است، باینند صاحبان این شهدا، پدرانشان، مادرانشان، فرزندانشان، همسرانشان، علامتی داشته باشند، عکسی داشته باشند، این خوب است. این شکل، شکل طبیعی است. هیچ لزومی ندارد که ما این [علامت‌ها] را صاف کنیم، به خیال این که می‌خواهیم زیبایی‌سازی کنیم. زیبایی هر جایی و هر چیزی به خنسب خودش است؛ زیبایی انسان، زیبایی باغ، زیبایی قبرستان، زیبایی هر چیزی را باید به خنسب خودش محاسبه‌کنیم.»

سایه روشن

روحانی:نباید به جای آمریکا دولت راسرزنش کرد

رئیس‌جمهور در مراسم تجدید میثاق اعضای دولت با آرمان‌های امام راحل و شهیدان که صبح دیروز و در آستانه دهه فجر و چهارمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی برگزار شد، گفت: امام بزرگ‌ترین احیاگر دین در زمان ما و معمار انقلابی بود که صرفا با ایستادگی مردم در برابر قدرت‌های داخلی و خارجی پیروز شد.

حسن روحانی در بخشی از سخنان خود با اشاره به اقدامات دولت آمریکا تصریح کرد: برخی‌ها نباید تفسیر نادرستی داشته باشند، امروز مشکلات ما عمدتا به‌خاطر فشار آمریکا و اذتاب آن است و نباید به‌جای محکوم کردن دشمنان، دولت خدمتگزار و نظام اسلامی مورد سرزنش قرار بگیرد و این می‌تواند بالاترین خسران و زیان باشد که کسی در کشور واقعیت‌ها را لمس نکند./فارس

بازدید فرمانده سپاه از جزیره ابوموسی

سردار سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه در بازدید از منطقه نازعات در جزیره ابوموسی، تحریک همسایگان ایران با هدف اختلاف افکنی را اقدامی بی‌نتیجه از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای که راه به جایی نخواهد برد برشمرد و تصریح کرد: «امروز ملت‌ها و دولت‌های دوست و همسایه ما دریافته‌اند که جمهوری اسلامی ایران برادر و همراه واقعی آنهاست و امنیت تنگه هرمز و آب‌های نیلگون خلیج فارس تنها توسط کشورهای منطقه تامین شده و در برقراری این امنیت جمهوری اسلامی ایران نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند.»/سپاه‌نیوز

برگزاری دادگاه ۸ متهم جاسوسی از مراکز نظامی

جلسه محاکمه هشت متهم جاسوسی از مراکز نظامی کشور صبح دیروز به صورت غیرعلنی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی و با حضور مستشار دادگاه برگزار شد./ میوزان



نمایش ۵۰۰محصول دفاعی در نمایشگاه تهران

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به دستاوردهای نیروهای مسلح در حوزه ساخت تجهیزات گفت: آماده تولید انبوه و صادرات همه این تجهیزات هستیم. به گزارش باشگاه خبرنگاران، سردار سرلشکر محمد باقری در حاشیه مراسم افتتاح نمایشگاه دستاوردهای دفاعی نیروهای مسلح تحت عنوان اقتدار، ۴۰گفت:

عکس:

نسترن دادجو / جام جم

عکس:

نسترن دادجو / جام جم



علیرضا مرندي در گفت‌وگو با جام‌جم از آسیب‌های اشرافی‌گری بعضی مسؤولان می‌گوید

وزرای اول انقلاب، اجاره‌نشین بودند

فرد آغاز چهارمین دهه فجر انقلاب اسلامی است. جمهوری اسلامی در این ۴۰ سال فراز و نشیب‌های زیادی داشته، اما همچنان استوار در مقابل فشارهای دشمنان به مسیر خود ادامه می‌دهد. ایام دهه فجر، ایام مناسبی برای سنجش ضعف‌ها و قوت‌های این حرکت ۴۰ساله است و برای همین کار با سید علیرضا مرندي، رئیس فرهنگستان علوم پزشکی گفت‌وگو کردیم. او که سال‌ها وزیر بهداشت بوده ضمن برشمردن دستاوردهای انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین آفت‌ها را اشراف‌گیری برخی مسؤولان می‌داند. او معتقد است اصلا برای انتخاب مسؤولان نباید سراغ افراد ثروتمند رفت.

فتاح غلامی

سیاسی

❗ در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین آفتی که انقلاب را تهدید می‌کند، چیست؟
به نظر من در این زمینه باید به هشدارهای رهبر انقلاب توجه کرد. انقلابی عمل نکردن، جهادی عمل نکردن، نقدناپذیری و مشورت نکردن با دیگران از مهم‌ترین آفات است که ممکن است به انقلاب اسلامی آسیب برساند. به نظر می‌رسد برخی از مسؤولان وقتی حکم خود را دریافت می‌کنند، تصویرشان بر این است که عقل کل دنیا را از طریق این حکم به آنان پیوند زده‌اند و از این‌رو خود را بی‌نیاز از هرگونه مشورت می‌بینند. یکی از اشکالات مدیریتی در ۴۰ سال اخیر این است که بعضی از افراد که تصدی مناصبی را به‌عهده می‌گیرند ممکن است به لحاظ سواد و تخصص در سطح بالایی باشند، اما در کار اجرایی که به‌عهده آنان گذاشته شده یا تجربه نداشته یا تجربه کمی دارند. متأسفانه این دسته از مسؤولان خود را بی‌نیاز از مشورت با اهل فن

❗ وقتی خدا هست چه نیاز به رانت

❗ در مورد فرزندان مسؤولان یا همان آقازاده‌ها حرف و حدیث‌های فراوانی وجود دارد. چندی قبل که برای گزارشی در این زمینه با فرزندان گفت‌وگو می‌کردیم از ممانعت جدی شما در خصوص استفاده فرزندان از رانت صحبت می‌کرد. در این زمینه توضیح می‌دهید؟

من همواره نسبت به فرزندانم سختگیر بودم، حتی زمانی که در آمریکا زندگی می‌کردیم مقید بودیم که مسائل شرعی را رعایت کرده و حقوق کسی را تضییع نکنیم. دخترانم وقتی در آمریکا به مدرسه می‌رفتند، برای تقدیه آنها هر روز برایشان کره بادام‌زمینی آماده می‌کردیم، چون نمی‌خواستیم از ساندویچ‌های مدرسه استفاده کنند. این مساله باعث شد همکاس‌هایشان به آنها بگویند دختران بادام زمینی! ایران هم که آمدیم در خانه‌ای متعلق به پدر همسرم واقع در سهرانه طالقانی زندگی می‌کردیم و البته با توجه به زندگی نسبتا خوبی که در آمریکا داشتیم بنا بود خانه‌ای در شمال شهر بخیریم اما با موافقت خانواده در همان خانه سه راه طالقانی مستقر شدیم. آن موقع فرزندانم نمی‌توانستند فارسی حرف بزنند. زمانی که محمد ۱۵ یا ۱۶ ساله بود به من گفت می‌خواهد به جبهه برود. در دورانی که مسؤولیت وزارت داشت، تمام تلاشم این بود که خانواده از امکانات وزارتخانه استفاده نکنند. حتی دوستان امنیتی به خاطر رعایت مسائل حفاظتی خواهان استفاده فرزندانم از ماشین اختصاصی بودند. اما من و خانواده‌ام به هیچ وجه شرایط آنها را نپذیرفتم. در

❗ خاطره‌ای از عمل جراحی رهبر انقلاب

❗ شما در عمل جراحی‌ای که رهبر انقلاب چند سال قبل داشتند، رئیس تیم پزشکی ایشان بودید. خاطره ناگفته‌ای از آن دوره دارید؟

من بیش از ۲۰ سال است که مسؤولیت مراقبت پزشکی از رهبر معظم انقلاب را برعهده دارم، حتی زمانی که وزیر بودم. این مساله البته علنی نبود و خود ایشان که برای عمل هر دوستان در بیمارستان بستری شدند آن را علنی کردند. تکه برداری که کردند خوشبختانه معلوم شد خوش خیم است و عمل جراحی ایشان در شرایطی مساعد و کمتر از نیم ساعت انجام شد.

دغدغه ایشان این بود که حتما جراحی در بیمارستان دولتی انجام شود و همچنین اصرار داشتند مراحمتی برای عمل‌هایی که دیگران قرار است انجام دهند، پیش نیاید. قرار عمل ساعت ۷ صبح بود و ایشان ساعت ۵ صبح به بیمارستان آمدند و نمازشان را آنجا خواندند و ما هم به ایشان اقتدا کردیم. در اتاق عمل از طریق بی‌حسی نخاعی جراحی انجام شد و در حین عمل هم با پزشکان صحبت می‌کردند و همه چیز به خوبی پیش رفت. چهره‌ها برای عیادت ایشان می‌آمدند و یکی از نکات جالب این بود که برخی اصرار داشتند دست آقا را بپوسند و البته آقا مقاومت می‌کردند و دست خود را عقب می‌بردند.

در این نمایشگاه ۵۰۰ محصول در ۱۱ حوزه؛ از تسلیحات سبک تا زرهی و هوایی و موشکی و دریایی به نمایش گذاشته شده و مردم می‌توانند از نزدیک با این توانمندی‌هاآشنا شوند.

وی اذعان کرد: مجموعه‌هایی از صنایع دفاعی سبک، مانند انواع سلاح‌های

❗ رها کردن طبابت در آمریکا و بازگشت به ایران

❗ شما قبل از انقلاب تحصیلات پزشکی خود را در آمریکا به پایان بردید و در آنجا مشغول فعالیت‌های علمی شدید. طبیعتا از شرایط مالی مناسبی برخوردار بودید. بعد از انقلاب که وزیر شدید سطح زندگی‌تان چطور بود و چطور زندگی می‌کردید؟

زمانی که برای تحصیل قصد خروج از کشور را داشتم بضاعتی نداشتم و حتی بدهکار بودم. ۱۴سال در آمریکا زندگی کردم و در کنار طبابت استاد دانشگاه هم بودم. وضعیت مالی من در آن کشور بهتر شد و خانه داشتم. موقعی که می‌خواستم به ایران بیایم خانه، مطب و سه ماشینم را فروختم. وضعیت مالی من در شرایطی بود که ثلث اموالم را برای کمک به جبهه بخشیدم. در خانه‌ای در سهراه طالقانی اقامت کردم و با این اوصاف خودم هم فکر نمی‌کردم که باید وزیر شوم. آن موقع معاون بهداشت آقای دکتر منافی بودم و وقتی از سفر روستای اخلمد (از توابع مشهد) به تهران برمی‌گشتم آقای دکتر نیک‌نژاد معاون دارو به من خبر دادند که دکتر منافی در مجلس برای وزارت رای نیاورند. آن موقع قانون این گونه بود که هیات دولت هم بعد از تغییر رئیس‌جمهور و هم بعد از تشکیل مجلس جدید باید رای اعتماد می‌گرفت. به وزارتخانه رفتم و پشت میز کار نشستم که دیدم تلکسی با این محتوا آمده که من سرپرست وزارت بهداشت شدم. تعجب کردم و انتظار این خبر را نداشتم.

چون همیشه فکر می‌کنم که از من بهتر فراواند و چرا آنها انتخاب نشوند. در ساعات اداری چند نفری به من گفتند شایعه شده می‌خواهند تو را به عنوان وزیر معرفی کنند. بلافاصله از مهندس موسوی وقت گرفتم و با ایشان صحبت کردم و گفتم که من تقوا، تیزهوشی و توان مدیریت لازم را برای این سمت ندارم. ایشان البته عکس‌العملی نشان نداد و همین مساله مرا نگران کرد که شاید این خبر جدی باشد. این موضوع با رأیت... خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت هم در میان گذاشتم ایشان هم در تایید یا تکذیب موضوع سخنی نگفتند. هنوز يك روز از ماجرا نگذشته بود که خبر قطعی شد.

❗ در آن مقطع به لحاظ گرایش‌های سیاسی اوایل انقلاب، شما جزو کدام گرایش سیاسی بودید؟

من اساسا جریان راست و چپ را نمی‌شناختم و به هیچ‌کدام از جریان‌های سیاسی وابسته نبودم. آن موقع جریان‌های سیاسی شامل خط يك و خط سه می‌شد. یاد نمی‌رود زمانی مرحوم مهندس سراج‌الدین کارزونی، وزیر مسکن آن وقت به شوخی به من می‌گفت که من توکاری به خط يك و سه نداریم و فقط در خط چپ کار می‌کنیم. گفتم خط چهار یعنی چه؟ گفت یعنی مثل چهارپا کار می‌کنیم! آن موقع ما واقعا شبانه‌روزی کار می‌کردیم و حتی بعضاً تا ساعت ۱/۵ شب هم در دفترمان حضور داشتیم و ساعت ۵/۵ صبح هم در جلسه شورای معاونین وزارتخانه شرکت می‌کردیم. الان شرایط فرق کرده و مثل گذشته نیست. آن موقع تعطیلی نمی‌شناختم. در هر صورت می‌خواهم بگویم که من برای پذیرش مسؤولیت مقاومت می‌کردم حتی در انتخابات مجلس هم با اصرار دوستانم از و جمله آقای علی لاریجانی آمدم. واقعیت آن است که در جمهوری اسلامی میل به نوکری دارم در عین حال می‌خواهم آتیه‌ای که از من شایسته‌تر هستند مسؤولیت بگیرند. هنوز هم بر همین نظر هستم. من از ابتدا می‌خواستم نوکر مردم باشم و حتی آمدمن از آمریکا به ایران هم به همین منظور بود. من در آمریکا دانشیار دانشگاه و رئیس بخش کودکان و رئیس بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان دانشگاه بودم و مطب خوبی هم داشتم اما به عشق انقلاب، من و همسرم تصمیم به مراجعت گرفتیم. مدتی هم بعد از بازگشت به ایران بیکار بودم که البته شاید آن بیکاری به نفع من بود.

من در آمریکا جزو پزشکان موفق بودم و حتی کوچک‌ترین نوزاد آمریکا را در آن زمان که نارس بود مراقبت کرده و زنده نگه داشتم و این مساله رسانه‌ای هم شد، اما بعد از مراجعت به ایران مدتی بیکار بودم و این مساله باعث شد که غرور را از دست بدهم و متوجه شوم که کارهای نیستم. روزی وقتی به خانه برمی‌گشتم همسرم گفت از دفتر دکتر زرگر وزیر بهداشت سراغت را می‌گیرند من هم فردا به دفتر وزیر مراجعه کردم. دکتر زرگر گفت شما را به‌عنوان سرپرست انجمن حمایت از کودکان انتخاب کرده‌ام. ولی من نپذیرفتم اما موقعی که از در اتاق وزیر خارج می‌شدم دکتر زرگر حرفی به من زد که مرا تکان داد. گفت اگر کسی از این پس از شما پرسید برای چه به ایران برگشتی بگو برای انقلاب نیامدم بلکه صرفا برای خودم آمدم تا استاد دانشگاه شوم. این جمله ایشان روی من بسیار اثرگذار بود و من هم مسؤولیت را قبول کردم و چند ماه بعد هم معاون آموزشی و پژوهشی وزارت بهداشت شدم. مدتی بعد آقایان زرگر، ولایتی و لواسانی در انتخابات مجلس نام‌نویسی کردند و از وزارتخانه به مجلس شورای اسلامی رفتند. من آن موقع جایگزین دکتر ولایتی در معاونت درمان شدم. دوباره تاکید می‌کنم که من به نوکری مردم افتخار می‌کنم اما در برابر پذیرش مسؤولیت مقاومت احمقانه‌ای داشتم که حرف دکتر زرگر باعث شد تصمیمم عوض شود.

❗ در آمریکا با مجموعه آقای دکتر ابراهیم یزدی هم همکاری داشتید؟

ایشان مسؤول انجمن اسلامی دانشجویان بود و ما البته در حال گذراندن تخصص بودیم و دانشجو محسوب نمی‌شدیم. اما من تلفنی با اعضای انجمن اسلامی ارتباط داشتم و نوار سخنرانی‌های آیت... خامنه‌ای، مهندس بازرگان، شهید بهشتی و شهید مطهری، آقای موسوی خوئینی‌ها و دکتر علی شریعتی همچنین کتاب‌های مذهبی را دریافت و بین علاقه‌مندان توزیع می‌کردم ولی با آقای دکتر یزدی تماس مستقیم نداشتم. من و خانواده‌ام در یکی از نشست‌های آنها در سال ۱۳۴۵ شرکت کردیم و موقع ناهار شد و بالاخره ما وسواس داشتیم که فقط گوشت ذبح اسلامی بخوریم و به همین خاطر از آنها پرسیدیم که آیا گوشت شما به شکل اسلامی ذبح شده؟ آنها گفتند نه و من تعجب کردم که چرا اعضای انجمن اسلامی گوشت ذبیحه نمی‌خورند. بنابراین رابطه‌ام را با آنها به غیر از خرید کتاب و نوار سخنرانی قطع کردم. البته سال‌های بعد شدیم که این مشکل حل شد. در نزدیکی‌های ایام انقلاب هم در یکی دو جلسه آنها شرکت کردم و همچنین آنها تظاهراتی در واشنگتن به‌راه انداختند که من و همسرم هم رفتیم.

❗ در سیاست، دکوری هستم

❗ خاستگاه سیاسی شما اصولگرایی است و شما فعالیتی هم در جمناد داشتید. چرادر زمان انتخابات ریاست جمهوری گذشته نتوانستید به يك کاندیدا برسید؟

قبل از بحث جمنما به این نکته اشاره کنم که من در ایام انتخابات مجلس که به عنوان نامزد از سوی جریان معرفی می‌شدم شرط این بود که نه دیناری خرج کنم و نه جایی سخنرانی کنم. البته در جریان انتخابات دوره دومی که به مجلس ورود پیدا کردم به من گفتند برایم بنری آماده کرده‌اند که در ستاد انتخاباتی خود نصب کنم. گفتم من ستادی ندارم گفتند باید بیایی این بنرها را ببری چون در انبار جایی برای نگهداری آنها نداریم. وانتی کرایه کردم و آن بنرها را به خانه آوردم و بعد از تمام شدن انتخابات بنرها را داخل سطل زباله گذاشتم تا رفتگرها ببرند. بنابراین بدون تبلیغات در دوره هشتم نفر ششم یا هفتم و در دوره نهم مجلس نفر دوم بودم که به مجلس راه پیدا کردم. در مورد جمنما هم باید بگویم که در جریان‌های سیاسی همواره این اتفاقات می‌افتد و بالاخره افراد رای و نظرهای سیاسی متفاوتی دارند. یاد می‌آید در همان دوره‌های دکتر حداد عادل به مطب من آمد و گفت پس از بررسی چند صد نفر اکنون به ۱۳ نفر رسیده‌ایم! الان به نظر شما باید چه بکنیم. گفتم من سیاسی نیستم و علاقه‌ای هم برای ورود به این بحث‌ها ندارم و گذشته من هم این را نشان می‌دهد. درست است که من اعتقادات اصولگرایی خود را دارم و دلم می‌خواهد خود را مطیع ولایت فقیه ببینم، اما داخل میاثت سیاسی نمی‌شوم. بنابراین در حوزه مسائل مربوط به انتخابات و نامزدها اساسا اظهار نظری نمی‌کردم و واقعیت آن است کارشناس خوبی هم برای مشاوره در این حوزه‌ها نیستم. ❗